

یادنامه استاد دکتر احمد شیمی

اسطوره تاریخ دامپزشکی ایران

مرگ را پروای آن نیست،

که به انگیزه ای اندیشید.

زندگی را فرصتی آنقدر نیست،

که در آئینه قدمت خویش بنگرد.

تا از لب خنده و اشک،

یکی را سنجیده گزین کند.

و عشق را مجالی نیست

حتی آنقدر که بگوید چرا دوستت می دارد.

سیر تحولات نوپای دامپزشکی نوین این مرز و بوم با قدمتی کمتر از یک قرن مفاخر بسیاری را در دامان خود پرورانده، که استاد دکتر احمد شیمی اسطوره تاریخ ایران بوده و خواهد بود. او استاد استادان این حرفه بود. بدون تردید تمامی استادان امروز این رشته به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق مقاله ها و کتاب هایش شاگرد او بوده اند. استاد دکتر احمد شیمی حدود ۶۵ سال در این حوزه تلاشی خستگی ناپذیر داشت. او عاشق این حرفه بود.

زندگی رسم خوشایندی است

زندگی بال و پری دارد با وسعت مرگ

پرشی دارد اندازه عشق

زندگی چیزی نیست که لب طاقچه عادت از یاد من و تو برود

او فرزند به حق پاستور بود. بدون هیچ انتظاری، آنچه را که در توان داشت انجام داد. دانشش را رایگان به عشاق بخشید. عشق به دامپزشکی و شاگردانش در وجودش بود. دامپزشکی به او افتخار میکرد و او به دامپزشک بودن مفتخر بود، چون پیش از میکروبیشناس بودن دامپزشک بود. او با مرام و در عمل آموخت

که: عشق شادی است، عشق آزادی است، عشق سرحد آدمیزادی است. او عشق را دوباره برای ما معنا کرد.

عشق پیدا بود،

برف پیدا بود،

دوستی هم پیدا بود.

شوق آموزش حتی در کهولت سن، هم چون شور و نشاط جوانی، در او فوران میزد. می گفت از یادگیری و مطالعه غفلت نکنید تا پیر نشوید، که پیری نه به سن بل به مغز است.

روح من در جهت تازه اشیا جاری است.

روح من کم سال است

روح من گاهی از شوق، سرفه اش می گیرد

روح من بیکار است

قطره های باران، درز آجرها را می شمارد

روح من گاهی مثل یک سنگ سر راه حقیقت دارد.

همانند بسیاری از پیش کسوتان و بزرگان دامپزشکی نوین، این اسطوره تاریخ دامپزشکی ایران نیز از انستیتو رازی شروع کرد و بعد به دانشگاه تهران پیوست. آموزش داد، آموزش دید، دوباره آموزش داد و بسیارها پرورش یافتند.

مثل یک ساختمان لب دریا نگرانم به کشش های بلند ابدی.

تا بخواهی خورشید، تا بخواهی پیوند، تا بخواهی تکثیر.

تحقیقات بسیار داشت و آثار بسیاری آفرید که هر دانشجوی دامپزشکی از هر دانشکده و دانشگاهی به نحوی از آنها بهره ها برده است. به شاگردان، یا به زعم خود دوستان جوانش، تعلیم داد که اکنون نه تنها در جای جای ایران زمین هر یک استاد، محقق،

معلم، کلینیسین یا مدیر دامپزشکی برجسته هستند بلکه در بسیاری نقاط دنیا نیز صاحب سبک و نظرند.

من در این تاریکی

در گشودم به چمن های قدیم

به طلایی هایی، که به دیوار اساطیر تماشا کردیم

من در این تاریکی

ریشه ها را دیدم

و برای بته نورس مرگ، آب را معنی کردم

متواضع و فروتن بود. حسن نیت و خلوص با شور و شغف همراه شرافت و صداقتش وصف ناشدنی است. در حوزه کاری

خستگی ناپذیر و همیشه استوار و پابرجا بود. آموخته هایش را بدون هیچگونه محدودیتی رایگان نثار می کرد و در اختیار دوستان جوانش قرار می داد. هر چند پاداش زندگی برایش ارزش مادی نداشت اما ارزش معنوی آن چنان به بار نشست که نه تنها وطن گستر بلکه جهان گستر شد. استاد استادان دکتر احمد شیمی اسطوره ای از تلاش و سخت کوشی در کار با منش و رفتاری بشر دوستانه در زندگی بود.

صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را- تا دگر ما در گیتی چون او
فرزند بزاید

روانش شاد و یادش گرامی

تیر ماه ۱۳۹۳

دکتر اسماعیل ذوقی